



نگو: عليك السلام؛ چون عليك السلام درود و سلامِ مردگان است. بگو: السلام عليك.

از ابو جری جابر بن سلیم رضی الله عنه روایت است که می گوید: مردی را دیدم که مردم سخنش را می پذیرفتند. گفتم: این مرد کیست؟ گفتند: او رسول الله صلی الله علیه وسلم است. دو بار گفتم: عليك السلام ای رسول خدا؛ فرمود: «لا تقل: عليك السلام، عليك السلام تَحِيَّةُ الْمُؤْمِنِي؛ قُل: السَّلَامُ عَلَيْكَ»؛ «نگو: عليك السلام؛ چون عليك السلام درود و سلامِ مردگان است. بگو: السلام عليك». جابر رضی الله عنه می گوید: گفتم: آیا تو فرستاده ی الله هستی؟ فرمود: «أَنَا رَسُولُ اللَّهِ الَّذِي إِذَا أَصَابَكَ صَرٌّْ فَدَعَوْتُهُ كَشَفَهُ عَنْكَ، وَإِذَا أَصَابَكَ عَامٌ سَنَةٍ فَدَعَوْتُهُ أَطْبَهَا لَكَ، وَإِذَا كُنْتَ بِأَرْضٍ قَفْرٍ أَوْ قَلَاةٍ، فَصَلِّتُ رَاحِلَتُكَ، فَدَعَوْتُهُ رَدَّهَا عَلَيْكَ»؛ «من رسول الله هستم؛ فرستاده ی همان ذاتی که وقتی زبانی به تو برسد و او را بخوانی، آن را از تو برطرف می کند و اگر گرفتار خشکسالی شوی و دعا کنی، زمین را برای تو می روپاند و چنانچه در بیابان باشی و شترت گم شود و تو الله را بخوانی، آن را به تو باز می گرداند». جابر می گوید: گفتم: مرا پند بده. فرمود: «لا تَسْبَنَّ أَحَدًا»؛ «به هیچکس دشنام نده». جابر می گوید: از آن پس به هیچ انسان آزاد یا غلام و به هیچ شتر و گوسفندی دشنام ندادم. رسول الله صلی الله علیه وسلم در ادامه فرمود: «وَلَا تَحْقِرَنَّ مِنَ الْمَعْرُوفِ شَيْئًا، وَأَنْ تُكَلِّمَ أَحَاكَ وَأَنْتَ مُنْبَسِطٌ إِلَيْهِ وَجْهَكَ، إِنَّ ذَلِكَ مِنَ الْمَعْرُوفِ. وَارْقِعْ إِزَارَكَ إِلَى نِصْفِ السَّاقِ، فَإِنْ أَيْتَ فِإِلَى الْكَعْبَيْنِ، وَإِيَّاكَ وَإِسْبَالُ الْإِزَارِ فَإِنَّهَا مِنَ الْمَخِيلَةِ. وَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمَخِيلَةَ؛ وَإِنْ أَمْرٌ شَتَمَكَ وَعَيَّرَكَ بِمَا يَعْلَمُ فِيكَ فَلَا تُعَيِّرُهُ بِمَا تَعْلَمُ فِيهِ، فَإِنَّمَا وَبَالَ ذَلِكَ عَلَيْهِ»؛ «هیچیک از کارهای نیک را کوچک و ناچیز نشمار؛ حتی اینکه در سخن گفتن با برادرت گشاده رو باشی که این از جمله ی نیکی هاست. و لباس و شلوارت را تا نصف ساق یا لااقل تا قوزک پاهایت بالا بکش و از بلند کردن لباست - تا زیر قوزک یا کشاندن آن بر روی زمین - بپرهیز که این عمل، از تکبر است و الله تکبر را دوست ندارد. و اگر کسی به تو دشنام داد یا تو را به خاطر عیبی که در تو سراغ داشت، سرزنش نمود، تو او را به خاطر عیبی که در او سراغ داری، سرزنش نکن؛ زیرا گناه این عمل، تنها بر عهده ی خودش می باشد».

[صحیح است] [به روایت ترمذی - به روایت ابوداود - به روایت احمد]

جابر بن سلیم رضی الله عنه می گوید: مردی را دیدم که مردم به سخنانش گوش می دهند و آنها را می پذیرند و چیزی نمی گوید مگر اینکه بدان عمل می کنند؛ به آنها گفتم: این مرد کیست؟ گفتند: او رسول الله صلی الله علیه وسلم می باشد. بنابراین به او گفتم: عليك السلام ای رسول خدا؛ عليك السلام ای رسول خدا؛ و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «نگو عليك السلام که درود و سلامِ مردگان است. بلکه بگو: السلام عليك». سپس گفتم: تو رسول الله هستی؟ فرمود: «بله من رسول الله هستم». یعنی من همان کسی هستم که الله متعال او را فرستاده است؛ همان الله که چون دچار فقر و مصیبت شوی و او را با زاری و تضرع و اظهار نیاز بخوانی، ضرر و زیان را از تو برطرف می کند؛ و اگر دچار قحط سالی شوی و از زمین چیزی نروید و او را بخوانی، برای تو گیاه می روپاند و رشد می دهد. و اگر در زمینی متروکه و خالی از سکنه و بی آب باشی و شترت را گم کنی و او را بخوانی، شترت را به تو باز می گرداند». سپس به او گفتم: مرا وصیتی کن که برایم سودمند باشد. فرمود: «هیچکس را دشنام نده». از آن پس به هیچ انسان آزاد و برده و شتر و گوسفندی دشنام ندادم. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «هیچ کار نیکی را دست کم نگیر و به این دلیل آن را ترک نکن؛ و اینکه در سخن گفتن با برادرت گشاده رو باشی و لبخند بر لب داشته باشی، کوچک مشمار که این هم از جمله اعمال نیک است. و شلوارت را تا نصف ساق بالا بکش؛ و اگر این مقدار بالا نکشیدی، آن را تا بالای قوزک ها بالا بکش؛ و اشکالی ندارد شلوارت از بالای قوزک تا نصف ساق باشد. اما از اینکه شلوارت از قوزک ها پایین تر باشد بپرهیز کن که نشانه ی تکبر و خودپسندی است. و

الله متعال تكبر و خودپسندی را دوست ندارد. و اگر کسی به تو دشنام داد یا به خاطر گناهان و اعمال زشتت از تو عیجوی کرد، تو به خاطر گناهان و اعمال زشتت از او عیجوی نکن که عاقبت این کار را در روز قیامت خواهد دید و چه بسا بخشی از آن را در دنیا ببیند.

<https://sunnah.global/hadeeth/fa/show/4952>



النجاة الخيرية
ALNAJAT CHARITY

